

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی

سال سیزدهم، شماره چهل و یکم، زمستان ۱۳۹۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۹/۱۹

تاریخ تصویب: ۱۳۹۶/۱۱/۱۷

صفحات: ۱۲۹ - ۱۵۵

بررسی سیاست منطقه گرایی روسیه در خاورمیانه

ساناز رستم جبری*

دانشجوی دکتری رشته روابط بین الملل دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران

دکتر سید جواد امام جمعه زاده

دانشیار گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل دانشگاه اصفهان

چکیده

بر مبنای رویکرد رئالیسم تهاجمی قدرت‌های بین‌المللی به صورت دائم در پی افزایش قدرت خود هستند و این می‌تواند با توجه به مشکلات امنیتی و مشکلات نظام بین‌الملل تغییر کند، به این معنی که دولتی به سمت تغییر وضع موجود حرکت یا خواهان حفظ وضع موجود باشد. روسیه به عنوان یک قدرت برتر (سابق)، خواهان تغییر وضع موجود برای بازگشت به وضعیت سابق و دست یافتن به امنیت منطقه‌ای و جهانی خود می‌باشد. به این ترتیب این نظریه می‌تواند تحلیل مناسب‌تری از سیاست خارجی روسیه در خاورمیانه ارائه دهد، و این در حالی است که خاورمیانه برای روسیه از اولویت بالایی در سیاست خارجی برخوردار است. به این ترتیب این سوال مطرح می‌شود که سیاست روسیه در خاورمیانه چه روندی را طی می‌کند؟ مقاله پیش رو با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی در تلاش است نشان دهد روسیه برای بازگشت به عرصه بین‌المللی به عنوان یک قدرت مطرح، نگاه به خاورمیانه و ارتباط با کشورهای مختلف آن را به خصوص در دوره دوم ولادیمیر پوتین در اولویت سیاست خارجی خود قرار داده است.

کلیدواژه‌ها: ایران، خاورمیانه، رئالیسم تهاجمی، سیاست خارجی روسیه.

* نویسنده مسئول، ایمیل: alidelfani@gmail.com

این مقاله برگرفته از رساله دکتری روابط بین‌الملل ساناز رستم جبری با عنوان "تجزیه و تحلیل سیاست خارجی روسیه در قبال خاورمیانه در دوره دوم ریاست جمهوری ولادیمیر پوتین ۲۰۱۶-۲۰۱۲" به راهنمایی دکتر سید جواد امام جمعه زاده می‌باشد.

مقدمه

واقع‌گرایی تهاجمی که از شاخه‌های گرایش سیاست قدرت، یعنی واقع‌گرایی سیاسی است، نقطه آغاز مباحث گفت‌وگویی خود را بر گرایش‌های تهاجمی، نیت تجدید نظر طلبانه قدرت‌ها، به ویژه قدرت‌های بزرگ در سطح سیستم بین‌المللی قرار داده است و با تأکید بر شرایط آنارشی در محیط بین‌المللی، معتقد است که آنارشی، رقابت دایمی قدرت بین قدرت‌های بزرگ را به ارمغان می‌آورد. از این منظر، سیستم بین‌المللی همواره رقابت‌های امنیتی بین قدرت‌های بزرگ را شاهد خواهد بود که البته، زمانی به نقطه پایان آن می‌رسد که یک قدرت بزرگ با توانایی‌های نسبتاً بالاتر از سایر رقیبان، توانایی تبدیل به یک هژمونی جهانی را از خود نمایان کند.

(Kissinger, ۱۹۷۹: ۵۸۱-۹۱؛ دوئرتی و دیگران، ۱۳۸۸: ۳۶-۳۴).

از این رو، بر اساس آموزه‌های میرشایمر، هر قدرت بزرگی که بخواهد این فرآیند را طی کند و به مرحله هژمونی جهانی، یعنی به امنیت مطلق برسد، نخست، باید به همراه انگیزه‌ها و گرایش‌های تجدید نظر طلبانه در استراتژی‌های کلان جهانی، توزیع قدرت جهانی را به نفع خود متحول کند؛ بنابراین، بین مراحل مقاصد تجدیدنظر طلبانه، گرایش‌های تهاجمی، تغییر توزیع قدرت جهانی، حرکت به سمت هژمونی جهانی و دست‌یابی به اهداف مطلق، رابطه مسلسل وار و پیوسته‌ای وجود خواهد داشت. از همین رو استفاده از این نظریه برای تبیین سیاست خارجی روسیه مناسب‌تر به نظر می‌رسد، زیرا روسیه خواهان بر هم زدن وضع موجود به نفع خود است و از آنجا که خاورمیانه همیشه برای قدرت‌ها جذاب بوده، مسکو (به خصوص در دوره دوم پوتین) سعی دارد تا توازن قوا در این منطقه را به نفع خود تغییر دهد (Kissinger, ۱۹۷۹: ۵۹۱-۵۹۵). با آغاز دور دوم ریاست جمهوری ولادیمیر پوتین در روسیه، نقش و حضور این کشور در عرصه‌های مختلف سیاست بین‌الملل افزایش یافته است. خاورمیانه و موضوعات مختلف معطوف به آن، از مسائلی است که مسکو توجه زیادی به آن داشته است. در حقیقت، روسیه پس از عبور از یک دوره گذار و فائق آمدن بر مشکلات و تنگناهای اقتصادی و نیز دستیابی به نظم و ثبات داخلی، خود را در شرایط یک «قدرت در حال بازسازی» و تجدید حیات یافته، می‌بیند. روسیه در این شرایط می‌کوشد تا بار دیگر جایگاه خود را به عنوان یک قدرت بزرگ و تأثیرگذار در نظام بین‌الملل، بازیابد؛ تمایلی که آن را باید گرایش تاریخی در فرهنگ سیاست خارجی روسیه قلمداد

نمود. در این میان، دو عامل مهم اقتصادی و سیاسی سبب شده‌اند تا این گرایش تاریخی، در رفتار کنونی سیاست خارجی روسیه، تجلی بیشتری یابد (کیانی، ۱۳۸۶: ۳). بعد از فروپاشی شوروی و در دوره پوتین، روسیه سیاست خود را در درجه اول بر پشتیبانی سیاسی و حمایت دیپلماتیک از متحدان کلیدی خود و همچنین فروش انرژی و تجارت متمرکز ساخت. با توجه به شرایط حساس خاورمیانه، روسیه از این طریق می‌تواند علاوه بر اینکه نفوذ خود را افزایش دهد نفوذ غرب را نیز در منطقه کاهش دهد (Putin, ۲۰۱۵a: ۱). یکی از متحدین اصلی روسیه پس از فروپاشی شوروی، ایران می‌باشد که سیاست خارجی روسیه به سمت برقراری روابط موثر با ایران حرکت کرده است. روسیه که در پی احیای قدرت از دست رفته خود است، تلاش می‌کند سیاست خارجی فعالی را در عرصه برقراری روابط با کشورهای خاورمیانه بروز و از سوی دیگر، روسیه سعی می‌کند از نزدیک شدن هر چه بیشتر ایالات متحده به مرزهای خود جلوگیری کند. به همین سبب حمایت‌هایی را از ایران به عنوان کشور مهم منطقه در عرصه بین‌الملل انجام می‌دهد (کولایی، ۱۳۸۹: ۲۱۲). از دیگر کشورهای مهم منطقه و هم پیمان روسیه، سوریه است که روابط آن دو سابقه دیرینه دارد و به دوران جنگ سرد و قرار گرفتن سوریه در بلوک شرق (در دوران جمال عبدالناصر) و روابط مساعدش با شوروی سابق باز می‌گردد. پس از به وجود آمدن تحولات اخیر در صحنه سیاسی سوریه که دخالت کشورهای خارجی از جمله ایالات متحده آمریکا، قطر و عربستان را به دنبال داشت، روسیه سعی کرده است نقش سازنده‌ای در جهت حل و فصل مسائل سوریه به دور از دخالت‌های دیگر کشورها (به ویژه ایالات متحده آمریکا) بر عهده بگیرد. در سپتامبر ۲۰۱۵ روسیه نیروهای خود را در سوریه مستقر ساخت، تا از این طریق همزمان در دو منازعه بهم پیوسته یعنی جنگ داخلی سوریه و جنگ با دولت اسلامی شرکت کند. اقدامی که با توجه به تحولات داخلی و خارجی روسیه و اهمیت خاورمیانه برای این کشور حائز اهمیت می‌باشد. (Gordon & Schmitt, ۲۰۱۵: ۲-۵)

مسکو از همان ابتدای تحولات سوریه در ۲۰۱۱ به طرق مختلف از حکومت بشار اسد حمایت کرده، و در واقع کرملین هرگز نیت خود برای محافظت از اسد چه از طریق دیپلماتیک و تسلیحاتی پنهان نساخته است. علاوه بر ایران و سوریه که دو بازیگر کلیدی برای روسیه در منطقه محسوب می‌شوند، روسیه تلاش کرده که با دیگر کشورهای منطقه از جمله مصر، عربستان، ترکیه، اردن، اسرائیل و کشورهای حاشیه خلیج فارس نیز ارتباط برقرار کند. مواضع روسیه در مورد تحولات کشورهایی که دستخوش بهار عربی هستند را می‌توان در چارچوب

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال سیزدهم، شماره چهل و یکم، زمستان ۱۳۹۶

سیاست‌های فعال روسیه در خاورمیانه بررسی کرد. روسیه تلاش می‌کند در تحولات خاورمیانه به عنوان یک قدرت موثر وارد عمل شده و نقش آفرینی کند. (Akkoc & Marszal, ۲۰۱۵: ۱؛ Borshchevshaya, ۲۰۱۶: ۵-۶)

۵- چارچوب نظری

واقع‌گرایی ته‌اجمی دستگاه فکری خود را براساس آموزه‌ها و مفروضه‌های واقع‌گرایی بنیان نهاده است. پیروان این مکتب ضمن اینکه در چارچوب‌های واقع‌گرایی، دولت‌ها را به عنوان بازیگران اصلی صحنه روابط بین‌الملل به رسمیت می‌شناسند، بر این باورند این قدرت‌های بزرگ هستند که سیاست بین‌الملل را شکل می‌دهند و در تأثیرگذاری بر سیستم بین‌المللی، برون داده‌ای قدرت‌های بزرگ تعیین‌کننده هستند (Schweller, ۱۹۹۶: ۹۷-۱۰۰).

از نظریه‌پردازان این تئوری جان میرشایمر می‌باشد که در تئوری خود، اساساً بر قدرت‌های بزرگ تمرکز کرده است؛ زیرا، به نظر وی، آن‌ها از بیشترین قدرت تأثیرگذاری در صحنه سیاست بین‌الملل برخوردارند. از نظر این اندیشمند، سرنوشت تمامی دولت‌ها اعم از قدرت‌های بزرگ و کوچک، از طریق تصمیم‌ها و اقدامات دولت‌هایی تعیین می‌شود که بیشترین توانایی‌ها را داشته باشند. (چرنوف، ۱۳۹۰: ۱۱۰-۱۰۹؛ ۴: Mersheimer, ۲۰۰۱)

از نظر واقع‌گرایی ته‌اجمی، قدرت‌های بزرگ و رقابت مستمر آنان با یکدیگر برای کسب قدرت، تعیین‌کننده عرصه سیاست بین‌المللی است؛ چرا که سیاست‌های بین‌المللی همیشه فعالیت خطیری بوده‌اند؛ روندی که همچنان ادامه خواهد داشت. هر چند شدت و حدت این رقابت‌ها افت و خیزهایی دارد، اما قدرت‌های بزرگ همیشه از یکدیگر هراسان‌اند و بر سر کسب قدرت بیشتر با یکدیگر رقابت می‌کنند. هدف اولیه هر دولت به حداکثر رساندن سهم خود از قدرت جهانی است، بدین معنا که قدرت‌های بزرگ با یکدیگر به رقابت می‌پردازند، اما نمی‌کوشند که به قدرتمندترین دولت هر چند می‌تواند نتیجه قابل قبولی برای آنان باشد تبدیل شوند، بلکه هدف غایی آنان تبدیل شدن به هژمون است، یعنی در سیستم، تنها باید یک قدرت بزرگ وجود داشته باشد؛ از این رو، به اعتقاد میرشایمر، در سیستم بین‌المللی، قدرت‌های طرفدار وضع موجود وجود ندارند؛ چرا که آنها می‌خواهند برای تبدیل شدن به هژمون موقعیت برتر خود را نسبت به رقبایشان حفظ کنند (Mersheimer, ۲۰۰۱: ۴؛ Donnelly, ۲۰۰۵: ۴۳-۴۴). قدرت‌های بزرگ به ندرت، بر سر توزیع قدرت کنونی با یکدیگر رقابت می‌کنند و همواره انگیزه

مستمری برای تغییر توزیع قدرت به نفع خود در ذهن می‌پرورانند. آنها تقریباً همیشه مقاصد تجدیدنظر طلبانه‌ای داشته‌اند و از زور برای جایگزین کردن موازنه قدرت استفاده می‌کنند. البته، در شرایطی که از نظر آنان، این امر با هزینه‌ای قابل قبول عملی باشد. میزان هزینه‌ها و خطرهای اقدام برای تغییر موازنه قدرت بسیار بالاست؛ از این رو، قدرت‌های بزرگ برای دست زدن به چنین اقدامی منتظر شرایط مورد نظرشان می‌مانند. البته، آرزوی کسب قدرت بیشتر کنار زده نمی‌شود، مگر زمانی که یک دولت به هدف نهایی خود، یعنی هژمونی دست یابد. هر چند از نظر مرشایمر، احتمالاً هیچ دولتی نمی‌تواند هژمون جهانی بشود، اما به هر حال، در دنیای امروز، رقابت همیشگی میان قدرت‌های بزرگ را شاهدیم. (هالستی، ۱۳۸۸: ۶۰۷۵۸)

از دید مرشایمر، دولت‌ها در جهانی زندگی می‌کنند که سرشار از تهدیدات است و واحدهایی هستند که تمایل دارند قدرت خود را به حداکثر برسانند تا بتوانند به بقای خود ادامه دهند؛ هدف اصلی هر دولتی آن است که سهم خود را از قدرت جهانی به حداکثر برساند، که این به معنای کسب قدرت به زبان دیگران است. از نظر وی دلیل قدرت طلبی دولت‌ها را باید در سه چیز جستجو کرد: ساختار آنارشیک نظام بین‌الملل؛ توانمندی‌های تهاجمی که همه دولت‌ها از آن برخوردارند؛ و عدم اطمینان در مورد نیات و مقاصد دشمن (مشیرزاده، ۱۳۸۶: ۱۳۱-۱۳۲). از اینرو، در تعریف سیاست خارجی قدرت‌ها بزرگ از منظر مرشایمر، دولت‌هایی که سیاست خارجی خود را بر مبنای واقع‌گرایی تهاجمی در پیش گرفته‌اند در پی افزایش قدرت نسبی در صحنه نظام بین‌الملل هستند و رفتار سیاسی آنها بر این مبنای شکل می‌گیرد که دولت‌ها هر کدام به دنبال نفوذ و افزایش قدرت خود هستند. بر این اساس، ماهیت هرج و مرج گونه نظام بین‌الملل به شکلی است که دولت‌ها همواره در پی افزایش قدرت نسبی خود هستند و در این روند سعی در کاهش قدرت رقبایشان دارند. (المن، ۱۳۹۱: ۶۴-۶۰؛ ۱۲؛ Mersheimer, ۲۰۰۱)

تمرکز اصلی بحث واقع‌گرایی تهاجمی بر معمای امنیتی دولت‌ها است (Jervis, ۱۹۹۹: ۴۹). چرا که در نظام هرج و مرج گونه بین‌الملل ترس از معمای امنیتی است که دولت‌ها را به سمت رقابت با یکدیگر برای تامین امنیت خود پیش می‌برد. از این رو در سیاست خارجی واقع‌گرایی تهاجمی، دولت‌ها خواهان افزایش امنیت خود از راه کاهش "عامدانه" امنیت سایر دولت‌ها هستند. علاوه بر این، سیاست خارجی تهاجمی واقع‌گرا بر این نظر است که نه تنها ماهیت سیاست بین‌الملل بر اساس وجود "درگیری" تعریف می‌شود، بلکه به طور اساسی وجود درگیری، عنصری ضروری برای هدایت سیاست بین‌الملل است (Jones &)

– روسیه و خاورمیانه

در قرن نوزدهم روسیه درصدد اثبات منابع ژئواستراتژیک، اقتصادی و فرهنگی خود در خاورمیانه و رقابت با غرب بود. مسکو برای ایجاد روابط دیپلماتیک و فرهنگی به ویژه در سوریه و فلسطین تلاش می‌کرد از آنها در منطقه پشتیبانی کند. به عنوان نمونه، اتحاد جماهیر شوروی برای ۵۰ سال با غرب و عمدتاً ایالات متحده آمریکا بر سر خاورمیانه رقابت و از بازیگران منطقه ای در راستای برنامه ضدغربی حمایت می‌کرد. پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در ۱۹۹۱ روسیه یک برنامه متفاوت را دنبال کرد. روسیه از لحاظ سیاسی، نظامی، اقتصادی و نظم داخلی ضعیف و در نتیجه یلتسین توجه خود را برای مقابله با بی‌ثباتی داخلی اقتصادی و سیاسی، دولت از هم گسیخته و ضعیف، و جنگ با جدایی طلبان چچن متمرکز ساخته بود. در مقابل سیاست خارجی روسیه به طور عمده به دنبال روابط با ایالات متحده، اروپا و کشورهای تازه استقلال یافته از اتحاد جماهیر شوروی متمرکز ساخته بود (۱: ۲۰۱۶، Borshchevshaya). در دوره یلتسین از ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۹ روسیه حضورش در خاورمیانه بجز روابط با کشورهای ایران و ترکیه را کاهش داد. یلتسین علاقه کمی به حضور در خاورمیانه داشت و به طور کلی یک برنامه امریکایی و رویکردی عملگرایانه به منطقه و مخالف دیدگاه‌های ایدئولوژیک اتحاد جماهیر شوروی بود. با این حال مشکلات داخلی مانعی بر سر راه کرملین برای یک سیاست روشن خاورمیانه‌ای بود. علیرغم این دیدگاه‌ها و با وجود اینکه یلتسین در یک دوره کوتاه مدت فضای باز سیاسی و اقتصادی را رهنمود داده بود اما او از لحاظ سیاسی ضعیف و از عدم سلامت جسمانی برخوردار بود (۳-۸: ۲۰۱۲، Kramer & Shevtsova). در سال ۲۰۰۰ ولادیمیر پوتین، جانشین یلتسین در روسیه‌ای که عمیقاً از تحولات دهه گذشته آسیب دیده بود، شد. شهروندان روسی سرخورده از چشم انداز دموکراتیک اوایل دهه ۱۹۹۰، خواهان ثبات در داخل بودند و این چیزی بود که پوتین به همراه بازگرداندن وضعیت روسیه به عنوان یک قدرت با نفوذ جهانی وعده داد. مدت کوتاهی پس از روی کار آمدن پوتین، وی سیاست خارجی جدیدی را در روسیه به وجود آورد. پوتین خود را از وضعیت دهه ۱۹۹۰ که مورد سرزنش غرب به دلیل مشکلات داخلی بود دور ساخت. (۱۰-۲۰۱۲:۸، Shevtsova & Kramer)

در خاورمیانه پوتین به دنبال بازگرداندن روسیه به عنوان قدرت بزرگ و بازی با حاصل

جمع صفر در برابر غرب بوده است. علاوه بر به دست آوردن نفوذ سیاسی در خاورمیانه، پوتین به دنبال رقابت با ایالات متحده و نفوذ در کشورهای منطقه است، از طریق خرید و فروش تسلیحات و انرژی (نفت و گاز) و همچنین فروش محصولات با تکنولوژی بالا همانند راکتور هسته‌ای. در دوره اول ریاست جمهوری پوتین اولویت های اساسی روسیه در خاورمیانه ترمیم و تقویت موقعیت روسیه به ویژه در زمینه اقتصادی و اهمیت ادامه رابطه با ایران بود (۲: ۲۰۰۱، Freedman). حضور روسیه در خاورمیانه مستلزم همکاری با دوستان و دشمنان آمریکا در منطقه است. این مسئله شامل حمایت از برنامه هسته‌ای ایران، بخشش بدهی تقریباً ۱۳ میلیارد دلاری سوریه به معنای رفع کنترل بر صادرات فن آوری‌های بیولوژیکی و شیمیایی، و در کنار آن روابط دو جانبه با ترکیه، اسرائیل، مصر و عربستان سعودی می‌باشد (Cohen, ۲۰۱۲: ۹-۱۰).

در این زمینه مسکو سیاست فروش تسلیحات را با منافع سیاست خارجی خود گره زده، به گونه‌ای که در ۱۱ دسامبر ۲۰۱۳ دیمیتری راگوزین معاون نخست وزیر عنوان کرد که فروش تسلیحات روسیه مهمترین عنصر روابط خود با کشورهای دیگر است. (Rogozin, ۲۰۱۳: ۱۲-۱۴)

از دیگر علایق روسیه نسبت به خاورمیانه به جمعیت مسلمان آن مربوط می‌شود، چرا که از یکسو به عنوان پرجمعیت‌ترین کشور اروپایی بین ۲۱ تا ۲۳ میلیون مسلمان را در خود جای داده و از سوی دیگر رابطه روسیه همیشه با کشورهای مسلمان همسایه خود دچار تنش بوده و از این طریق تا حدودی می‌تواند بر آنها نفوذ داشته باشد (۸-۴: ۲۰۱۵، Hackett). به دلیل اهمیت همین موضوع بنیامین پوپوف، سفیر سابق روسیه در نهادهای خاورمیانه، از جمله در سازمان همکاری اسلامی در ماه مه ۲۰۱۱ اعلام کرد که روسیه، به عنوان یک قدرت جهانی با جمعیت بزرگ مسلمان باید در خاورمیانه فعال تر باشد، زیرا این موضوع به طور مستقیم به منافع استراتژیک روسیه مرتبط است. جمعیت رو به رشد مسلمان روسیه تاثیر غیرقابل انکاری بر سیاست خاورمیانه‌ای این کشور و لزوم توجه به مسائل امنیتی داشته است. (Mirovalev, ۲۰۱۵: ۱۰-۱۴)

- روسیه و تحولات موسوم به بهار عربی

تا سال ۲۰۱۰ روسیه تنها به دنبال احیای موفقیت آمیز نفوذ خود در خاورمیانه بود، که بر

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال سیزدهم، شماره چهل و یکم، زمستان ۱۳۹۶

اساس گفته مارک کارتر استاد دانشگاه جرج میسون این خواسته شامل روابط خوب با دولت‌ها و مخالفت با بیشتر جنبش‌ها می‌شد. با رخداد تحولات بهار عربی در خاورمیانه و شمال آفریقا، روسیه هم ناخواسته وارد آن شد. این وقایع پوتین را که نگران انقلاب نارنجی اوکراین بود تحت تاثیر قرار داد، از یک طرف ترس از تحت تاثیر قرار گرفتن مردم روسیه از این اتفاقات وجود داشت، از طرف دیگر این اعتقاد که غرب از این حوادث برای کاهش نفوذ روسیه به عنوان یک قدرت سنتی منطقه‌ای استفاده کنند. (۵-۱: Margelov, ۲۰۱۳; ۵-۷: Katz, ۲۰۱۲a).

تحلیلگران غربی هدف از اعتراضات بهار عربی را آزادی و دموکراسی خواهی از یکسو و نارضایتی مردم از دولت و رکود اقتصادی از سوی دیگر می‌دانند. آنها بر این باورند که دلیل این تحولات فساد حاکمان و نارضایتی مردم از آنها می‌باشد، در مقابل مقامات کرملین بر این اعتقاد هستند که این تحولات ارمغان سال‌ها مداخله غرب در منطقه می‌باشد و تنها به دلیل مشکلات داخلی خود کشورها نبوده است (۵۱: Vysotsky, ۲۰۱۴).

علاوه بر اظهاراتی که مقامات روس درباره اتفاقات ناشی از حضور غرب در منطقه عنوان می‌کنند، دیدگاه غالب آنها بر این مبنا قرار دارد که پیدایش خلافت خودخوانده اسلامی (داعش) نیز مولود اقدامات غرب در منطقه می‌باشد از این رو نه تنها حضور کشورهای غربی در خاورمیانه دموکراسی را به ارمغان نیاورده بلکه باعث گسترش رادیکالیسم اسلامی و ترویج تروریسم نیز شده است (۳-۸: Mirsky, ۲۰۱۳). با این وجود نمی‌توان حضور روسیه در منطقه خاورمیانه را چه به طور سنتی و چه در سده جدید نادیده انگاشت، با توجه به تلاش‌های بسیار مسکو برای تاثیرگذاری بر خاورمیانه و تغییر توازن قوا در منطقه به نفع خود اکنون در برخی از کشورهای منطقه، روسیه به عنوان قدرتی پرنفوذ تبدیل شده که در ادامه نشان داده خواهد شد چگونه روسیه توانسته برای کشورهای خاورمیانه تاثیرگذار باشد و اینکه با توجه به وضعیتی که روسیه در عرصه بین‌المللی در آن قرار دارد توانسته توازن قوا را با توجه به خلاق قدرت به نفع تغییر دهد. (۴-۵: Traisman, ۲۰۱۲).

الف- مصر

از منظر دیپلماتیک در دوره‌ای از جنگ سرد مصر به عنوان یکی از متحدین اتحاد شوروی در خاورمیانه بود. اگر چه پس از روی کار آمدن انور سادات این روابط رو به سردی گذاشت و در سال ۱۹۷۳ رئیس‌جمهور مصر مشاوران نظامی شوروی و پرسنل نیروی هوایی آن را اخراج

کرد، اما بعد از فروپاشی شوروی به خصوص بعد از روی کار آمدن پوتین این روابط رو به بهبودی گذاشت. در اوت ۲۰۰۰ تنها ۵ ماه پس از روی کار آمدن پوتین وی با رئیس‌جمهور مصر حسنی مبارک برای اولین بار تماس تلفنی داشت و اعلام کرد که می‌خواهد با مصر روابط دوستانه برقرار کند. در سال ۲۰۰۱ مبارک به مسکو سفر کرد و برنامه بلند مدت توسعه تجارت، اقتصاد، صنعت، علم و همکاری‌های فنی با مسکو امضا کرد. در سال‌های بعد نیز این سطح از روابط نیز ادامه داشت. در سپتامبر ۲۰۰۴ در قاهره، سرگئی لاوروف پروتکل همکاری راهبردی میان وزرای خارجه امضا کرد. در ۲۶ و ۲۷ آوریل ۲۰۰۶ پوتین برای اولین بار به مصر سفر کرد و بیانیه‌ای درباره روابط دوستانه عمیق‌تر با تاکید فزاینده بر شخصیت‌های استراتژیک میان مصر و روسیه امضا کرد. در سال‌های بعد نیز قراردادهای متعدد در زمینه همکاری‌های دو جانبه میان دو طرف امضا شد (History of Russian-Egyptian Relations, ۲۰۱۶: ۱-۳).

با این حال با شروع بهار عربی در مصر، روسیه به طور موقت نفوذ خود را در قاهره از دست داد. پوتین مشتاق بود که جایگاه خود را مجدداً به دست آورد به همین دلیل به سمت دوستی با اخوان المسلمین حرکت کرد، با وجود آنکه دادگاه عالی روسیه این گروه را در سال ۲۰۰۳ یک گروه تروریستی معرفی کرده بود و مقامات روسی بارها و بارها اخوان المسلمین را به تقویت شورشیان مسلمان قفقاز شمالی متهم می‌کردند. با این حال در ژوئن ۲۰۱۲ پوتین به محمد مرسی رئیس‌جمهور مصر و عضو اخوان المسلمین تبریک گفت. در ماه بعد پوتین به صورت رسمی در شصتمین سالگرد انقلاب ۱۹۵۲ در یک تحول ناسیونالیستی این کشور و رهایی از اشغال بریتانیا تبریک گفت. پوتین ابراز تمایل به تقویت روابط بین روسیه و مصر در حوزه‌های مختلف، و همچنین بر همکاری‌های سازنده برای حل و فصل مسائل منطقه‌ای تاکید داشت (Putin, ۲۰۱۲: ۱-۲).

پوتین در تلاش بود نشان دهد از بازگشت مصر به عنوان رهبر جهان عرب استقبال می‌کند. همچنین در سالگرد پیروزی مصر، پوتین سرنگونی امپریالیسم غربی را تبریک گفت و دیگر اینکه مرسی در آوریل ۲۰۱۳ از مسکو دیدار کرد و از باز شدن درهای همکاری بین دو کشور صحبت کردند و همچنین مقامات روسی از کاهش محدودیت‌های اخوان المسلمین می‌گفتند. پوتین به اخوان المسلمین نشان داد که اگر چه مسکو سکولارها را در مصر ترجیح می‌دهد، اما با اسلام‌گرایان برای تامین نفوذ روسیه در خلا ایجاد شده توسط غربی‌ها، حتی اگر به معنای حمایت از یک سازمانی باشد که کرملین آن را تروریستی خوانده، حمایت می‌کند

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال سیزدهم، شماره چهل و یکم، زمستان ۱۳۹۶ —————
(Latukhina, ۲۰۱۳: ۱-۸).

پس از برکناری مرسی در ژوئیه ۲۰۱۳ روابط مصر و روسیه با توجه به افزایش روابط مصر و امریکا کاهش پیدا کرد. با توجه به اینکه مسکو به طور فزاینده با آنچه در تعامل میان ایالات متحده و اخوان المسلمین بود، نگران بود، به ویژه در مورد شبه جزیره سینا که ناشی از رادیکالیسم و بی ثباتی دوران مبارک بود. اما از آنجا که واشنگتن تحویل سلاح به مصر را به تعویق انداخت، کمک‌های نظامی را قطع کرد و گفتگوهای راهبردی که میان ایالات متحده و مصر در حال شکل‌گیری بود را نیز متوقف ساخت روسیه از این فرصت استفاده کرد و در نتیجه کاهش روابط ایالات متحده و مصر، یک فرصت را برای پوتین به وجود آورد. برخلاف باراک اوباما، پوتین با خوشحالی ریاست جمهوری عبدالفتاح السیسی را پذیرفت. پوتین هیچ علاقه‌ای به انتقاد از السیسی نداشت، از نظر برخی کارشناسان کرملین بیشتر به دنبال تقویت روابط با مصر برای اطمینان از موفقیت‌های آینده کنفرانس صلح ژنو در سوریه بود، در حالی که برخی دیگر معتقدند از نظر کرملین السیسی، جمال عبدالناصر دیگر است که برای ناسیونالیسم عربی صحبت می‌کند و بر ضد امپریالیسم غربی است (Saleh & Hille, ۲۰۱۳: ۷-۱۰).

روابط اقتصادی بین مصر و سوریه در سال‌های اخیر به طور قابل توجهی بهبود یافته است. در سال ۲۰۱۴ از ۱۰ میلیون توریست روسیه ۳ میلیون به مصر سفر کردند. البته این تا زمانی بود که در ۳۱ اکتبر ۲۰۱۵ هواپیمای مسافربری مسافربری ایرباس روسیه در شرم الشيخ سقوط کرد. این در حالی بود که دولت روسیه آن را اقدام تروریستی می‌دانست که دولت ایالات متحده و بریتانیا با اقدامات غیرمسئولانه به آن دامن زده بودند و از ۶ نوامبر تمام پروازها به حالت تعلیق درآمد. تعلیق پروازها بدون شک به اقتصاد مصر آسیب می‌رساند، اما در اواخر دسامبر دولت مصر ابراز امیدواری کرده که به زودی این تعلیق با توجه به روابط مسکو و قاهره برداشته خواهد شد (Egypt Hopes, ۲۰۱۵: ۱-۲).

از لحاظ تجاری نیز، تجارت بین دو کشور حدود ۵۰ درصد بیش از دوره مشابه رشد داشته است. به طور خاص حدود ۴۰ درصد از غلات مصر را روسیه تامین می‌کند. به لحاظ نظامی نیز این روابط گسترش یافته تا جایی در جولای ۲۰۱۵ برای نخستین بار روسیه و مصر اولین رزمایش مشترک دریایی خود را در خارج از بندر اسکندریه برگزار کردند. در واقع پوتین می‌خواست به عنوان یک اولویت، نیروی دریایی روسیه را به دریای مدیترانه بازگرداند که با اتحاد مصر می‌تواند به این هدف دست یابد، چرا که این می‌تواند قدرت روسیه را در منطقه افزایش

_____ بررسی سیاست منطقه گرایی روسیه در خاورمیانه ◇
دهد و کفه ترازو را برای روسیه سنگین تر کند (Novichxov, ۲۰۱۵: ۵-۶).

ب- ایران

برای دهه‌ها روابط ایران و روسیه بین همکاری، رقابت و درگیری در نوسان بوده است. در اواخر جنگ سرد شوروی شروع به فروش تسلیحات به ایران کرد، بین سال‌های ۱۹۸۹ و ۱۹۹۱ شوروی تعدادی قرارداد تسلیحاتی به ارزش ۵,۱ میلیون دلار امضا کرد. در ۱۹۹۰ مسکو و تهران وارد یک دوره همکاری استراتژیک بر اساس منافع متقابل شد. مسکو در درجه اول به دنبال تولید صنعت تسلیحاتی برای رشد اقتصادی خود بود ایران نیز علاقه‌مند به استفاده از این سیاست بود. در سراسر دهه ۱۹۹۰ صنعت دفاعی روسیه به ادامه عرضه سلاح، از جمله تانک و مهمات ادامه داد. علاوه بر این قیمت نفت در اواخر دهه ۱۹۹۰ افزایش یافت و کرملین به ایران به عنوان یک گیرنده جذاب صادرات روسیه نیز می‌نگریست (Borshchevshaya, ۲۰۱۶: ۲۴). یکی از عوامل همکاری بین ایران و مسکو در دهه ۱۹۹۰ (بعد از فروپاشی شوروی) احساس ناامنی روسیه درباره آسیای مرکزی و قفقاز بود، چرا که مسکو معتقد بود ایران نفوذ زیادی بر مسلمانان آن منطقه دارد و می‌تواند به امنیت مرزهای روسیه کمک کند. کارشناسان بر این عقیده بودند که در طول دهه ۱۹۹۰ روسیه به دنبال تثبیت موقعیت ژئواستراتژیک خود در اوراسیا بود و ایران می‌توانست به عنوان یک سپر دفاعی در منطقه جنوب روسیه نقش داشته باشد. در واقع این دیدگاه هنوز در روسیه وجود دارد (Gorenburg, ۲۰۱۲: ۱-۲).

در اکتبر ۲۰۰۰ مسکو تلاش‌های خود را برای تکمیل راکتور هسته‌ای ایران در بوشهر افزایش داد، این پروژه قبلاً توسط زمینس آلمان آغاز شده بود که بعد از انقلاب ۱۹۷۹ ایران، ناتمام مانده بود. با توجه به اینکه پوتین در این مرحله (دور اول ریاست جمهوری) در روابط خود با ایالات متحده محتاط بود، در نوامبر ۲۰۰۰ به طور یکجانبه پروتکل گورچنومردین (نخست وزیر روسیه و معاون رئیس جمهور ایالات متحده) که در ژوئن ۱۹۹۵ امضا شده بود و درباره پایان دادن همکاری نظامی با ایران بود و در قبال آن با ایالات متحده در زمینه فناوری دفاعی همکاری کنند را لغو کرد (Bershidsky, ۲۰۱۵: ۲-۵)، اما در سال‌های آتی به دلیل رقابت میان دو طرف (ایالات متحده - روسیه) روسیه همکاری‌های خود را در همه زمینه‌ها با ایران افزایش داد. در طول سال‌ها با توجه به فشارهای غرب درباره برنامه هسته‌ای ایران، روسیه از ایران حتی در مواجهه با آژانس انرژی اتمی حمایت می‌کرد، این حمایت‌ها به این دلیل بود که تهران

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال سیزدهم، شماره چهل و یکم، زمستان ۱۳۹۶

اهرمی برای اقدامات روسیه در چین محسوب می‌شد. یکی دیگر از عوامل افزایش همکاری های دو طرف جنگ عراق در ۲۰۰۳ بود، احساس مشترک از تجاوز غرب به حریم آنها و نگرانی هر دو کشور از ظهور افراط گرایی سنی که ضدشیعی و ضد روسی، و به دلیل وجود دشمن مشترک بهتر می‌توانستند در این زمینه با یکدیگر همکاری داشته باشند (Katz, ۲۰۱۵: ۵-۹).

اما در این راستا قراردادهای نظامی ایران برای روسیه بسیار مهم و با ارزش بود چرا که ایران همیشه برای مسکو شریک نظامی مهم محسوب می‌شود. در دسامبر ۲۰۰۵ تهران یک قرارداد تسلیحاتی چند میلیارد دلاری که شامل بیست و نه سیستم دفاع موشکی تور (ام - یک) می‌شد برای محافظت از نیروگاه اتمی بوشهر امضا کرد. همچنین در ۲۰۰۶ روسیه ۷۵۰ میلیون دلار در پروژه‌های انرژی در ایران سرمایه‌گذاری کرد. این عوامل باعث حمایت بیشتر روسیه از ایران در زمینه هسته ای در مقابل غرب شد. اقدامات روسیه نشان دهنده این است که منافع آنها در تهران به شدت عمل گراست و با توجه به سیاست های واقع گرایانه محاسبه شده است. بر اساس بسیاری از محاسباتی که روسیه انجام داده حمایت از ایران برای آنها سود بسیاری به همراه داشته از این رو تهران می‌تواند شریک خوبی برای روسیه باشد (Katz, ۲۰۱۲b: ۲۰-۲۵).

در سال‌های اخیر به طور بی سابقه‌ای روابط ایران و روسیه افزایش یافته است. در عرصه هسته ای در ۲۰۱۳ شرکت روسی تروی اتم در تکمیل نیروگاه هسته‌ای بوشهر بسیار تلاش کرد و همچنین در ۲۰۱۴ اعلام کرد با توافق برای ساخت دو راکتور هسته‌ای دیگر همکاری خواهد داشت. در پرتو تنش پوتین با غرب بر سر اوکراین روابط تجاری دو کشور بخصوص در زمینه قراردادهای نفتی افزایش یافته است (Borshchevshaya, ۲۰۱۶: ۲۷). در همین حال حسن روحانی ریاست جمهوری ایران در سال گذشته شش بار با پوتین ملاقات و اخیراً در ۲۳ نوامبر ۲۰۱۵ پوتین با او و رهبر ایران ملاقات داشته، و وی برای نقش پوتین در مذاکرات هسته‌ای تشکر کرده است. در این سفرها در زمینه‌های مختلف از جمله تجارت، کاهش محدودیت های سفر برای شهروندان دو طرف، در زمینه ساخت و ساز، نیروگاه حرارتی و غیره قرارداد بسته‌اند (Putin, ۲۰۱۵b: ۱-۲).

ج- عراق

روابط عراق و روسیه دارای فراز و نشیب‌های بسیاری بوده از همکاری گرفته تا اختلاف میان دو طرف. از سال ۲۰۰۰ پوتین سعی در نفوذ بیشتر در عراق داشته، هدف از حمایت عراق

توسعه کسب و کار به ویژه از طریق شرکت‌های نفتی روسیه برای نفوذ بیشتر سیاسی بوده است. مسکو در انجام این کار به دنبال دستیابی به بدهی میلیارد دلاری عراق که در زمان جنگ ایران و عراق صدام از شوروی خریداری کرده، می‌باشد (۱۵-۱۳: Steponova, ۲۰۰۲). در دوره اول ریاست جمهوری پوتین، کرملین فشار برای حذف تحریم‌های سازمان ملل علیه عراق را مورد بازنگری قرار داد. براساس ارزیابی کارشناسان، در طی حکومت صدام حسین شرکت‌های روسیه می‌توانستند بیش از ۷۰ میلیارد دلار عمدتاً از میدان نفتی غرب قرن ۲ سود کسب کنند. از این رو باقی ماندن تحریم‌های سازمان ملل به زیان منافع شرکت‌های روس بود، به همین دلیل آنها در صدد رفع این تحریم‌ها بودند. در این مرحله زمانی ایالات متحده و روسیه روابط نسبتاً قوی داشتند. در واقع ایالات متحده اشاره می‌کند که روسیه قادر به بازگرداندن منافع خود در عراق پس از جنگ است. برای مثال در سال ۲۰۰۳ وزیر خارجه امریکا کالین پاول ابراز کرد که دولت جدید عراق قادر است که بدهی ۸ میلیارد دلاری خود به روسیه را بپردازد و اینکه ایالات متحده نمی‌خواهد مانع حضور نیروهای حافظ صلح روسی در عراق شود (۳-۱۳: Powell).

با این حال و با توجه به روابط روسیه و عراق در زمان صدام حسین، در پایان کرملین صدام حسین را در جنگ قریب الوقوع تنها گذاشت. این تغییر می‌توانست به دلیل سرخوردگی روسیه در رفتار نامنظم صدام حسین دانست. علاوه بر اینها تصویر بین المللی صدام حسین بیش از حد برای روسیه تضعیف شده بود و دیگر اینکه روسیه در یک رویارویی نظامی با امریکا قرار گرفته بود، و با توجه به اینکه کرملین منافع خود در عراق را بسیار با ارزش می‌دانست اما نمی‌توانست از صدام حسین حمایت کند. در واقع پوتین سعی داشت هم با دوستان خود هم با دشمنان خود در عراق مصالحه کند چرا که نفت عراق برای روسیه بسیار با ارزش بود. اما یکی از اقداماتی که در این برهه زمانی پوتین انجام داد، مخالفت با جنگ در داخل عراق بود که از این طریق توانست اعتبار منطقه‌ای خود را در میان کشورهای مثل ایران و سوریه افزایش دهد. در این راستا در دسامبر ۲۰۰۳ پوتین یک هیات بازرسی به عراق فرستاد و اعلام کرد که آماده است بیش از نیمی از بدهی ۸ میلیاردی عراق را ببخشد (۲-۱۳: Filipov, ۲۰۰۳).

در سال ۲۰۰۵ کرملین توافق کرد که بدهی چندین میلیارد دلاری عراق به روسیه در دوران شوروی را به عنوان کمک‌های بشر دوستانه به بغداد ببخشد. در فوریه ۲۰۰۸ نیز روسیه تمام بدهی ۱۲٫۹ میلیارد دلاری عراق را بخشید. از سال ۲۰۰۹ دو شرکت نفتی لوک اویل و گازپروم تعدادی از قراردادهای بزرگ نفتی را بستند. در سال ۲۰۱۲ نیز کرملین معادل ۴ میلیارد دلار با

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال سیزدهم، شماره چهل و یکم، زمستان ۱۳۹۶

عراق قرارداد تسلیحاتی امضا کرد، که به عنوان دومین خریدار تسلیحاتی روسیه پس از هند بود. در سال ۲۰۱۳ عراق به عنوان یکی از بزرگترین شریک خاورمیانه‌ای روسیه محسوب می‌شد به خصوص در زمینه همکاری‌های نظامی-فنی، در سال ۲۰۱۵ نیز این شراکت گسترده به شرکت های نفتی نیز رسید (Lando, 2014: 3-5). مسکو اکنون نه تنها توانسته به عراق نزدیک شود بلکه به کردستان عراق نیز نزدیک گردیده است. برای نمونه، لوک اوپل نقش عمده‌ای به عنوان صادر کننده انرژی در کردستان عراق ایجاد می‌کند. در سال ۲۰۱۲ شرکت گازپروم نفت دو قرارداد با دولت کردستان عراق امضا کرد که چهارمین شرکت بزرگ نفتی برای ورود به منطقه محسوب می‌شد. در فوریه ۲۰۱۳ مسعود بارزانی رئیس جمهور اقلیم کردستان عراق برای تقویت روابط با مسکو یک سفر رسمی به روسیه داشت. پس از پایان آن دیدار گازپروم نفت برای ورود به یک پروژه نفتی در کردستان عراق قرارداد امضا کرد (Lando & Osgood, 2013: 1-3).

د- سوریه

از دهه ۱۹۶۰ مسکو نزدیک‌ترین متحد دمشق بوده است. بین سال‌های ۱۹۶۱ تا ۱۹۹۱ مسکو ۲۶ میلیارد دلار تجهیزات نظامی به دمشق عرضه و براساس گزارش‌ها اتحاد جماهیر شوروی در ساخت سلاح‌های شیمیایی به سوریه کمک کرده است. بسیاری از روس‌ها در طول جنگ سرد به سوریه نقل مکان کردند. از آنجا که سوریه کلید خاورمیانه برای شوروی بود، به همین دلیل دمشق از متحدان اصلی روسیه محسوب می‌شود (Brooke, 2013: 1-5). به طور گسترده از سال ۱۹۹۶ با شروع تلاش‌های یوگنی پریماکوف، به عنوان مدیر سازمان اطلاعات خارجی روسیه نفوذ مسکو را در خاورمیانه بازگردانده است. مسکو علاقه‌مند به فروش سلاح‌های خود به سوریه بود که از این طریق می‌توانست تعادل واشنگتن و مسکو را در منطقه برهم زند. در ماه مه ۱۹۹۹ توافق‌نامه ده ساله‌ای برای همکاری صلح آمیز در انرژی هسته‌ای با سوریه امضا شد. در آن برهه زمانی رهبر سوریه حمایت خود را از تلاش‌های کرملین برای ساخت یک جهان چند قطبی اعلام کرده بود. در ژوئن ۲۰۰۰ بشار اسد پس از مرگ پدرش به ریاست جمهوری رسید. پس از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ پوتین و اسد به واشنگتن تسلیت گفتند و به سرعت از جنگ علیه تروریسم حمایت کردند چرا که مسکو، شورشیان افراطی در قفقاز شمالی را از این گروه می‌دانست. از طرف دیگر نیز، اسد خود را به عنوان یک رهبر سکولار که هدفش مبارزه با افراط‌گرایان سنی است به غرب معرفی کرده بود و خواهان حمایت جنگ علیه

ترورسیم بود. اما در طرف دیگر سوریه و روسیه هر دو مخالف جنگ در عراق (۲۰۰۳) بودند چرا که منافع ملی آنها (به دلیل روابط با عراق) را تهدید می‌کرد (Boshchevshaya, ۲۰۱۶: ۳۷). از آنجایی که اهداف مشترک میان روسیه و سوریه بسیار بوده، روابط دو طرف همیشه رو به گسترش بوده است. در ۲۴ ژوئن ۲۰۰۵ پس از جلسه‌ای که میان پوتین و اسد برگزار شد، روابط دو کشور به طور فزاینده‌ای افزایش یافت تا جایی که مسکو اعلام کرد بسیاری از بدهی‌های سوریه را در ازای ایجاد نیروی دریایی دائم روسیه در لاذقیه و طرطوس می‌بخشد. که در نهایت روسیه تقریباً ۹,۸ میلیارد دلار از ۱۳,۴ میلیارد بدهی سوریه را بخشید (۲-۴: Hipp, ۲۰۱۲). در سال ۲۰۰۸ اسد در میان رهبرانی که به طور کامل از تهاجم روسیه به گرجستان حمایت کردند، بود. بر اساس گزارش مطبوعات روسیه، اسد با استفاده از این فرصت برای درخواست موشک اسکندر و سلاح‌های دیگر از رئیس‌جمهور مددوف بود، زیرا اسد معتقد بود که اسرائیل از طریق آموزش و تسلیحات به گرجستان کمک می‌کند. در سال‌های بعد روسیه به عنوان تامین‌کننده اصلی تسلیحات سوریه محسوب می‌شد. از سال ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۰ فروش تسلیحات روسی به سوریه ۴,۷ میلیارد دلار بود، که این بیش از دو برابر چهار سال گذشته بود (Grimmett, ۲۰۱۱: ۲۷-۲۰).

از آغاز تحولات سوریه در سال ۲۰۱۱، روسیه به صراحت از اسد حمایت کرده است؛ چه از منظر نظامی و چه از منظر دیپلماتیک به ویژه در شورای امنیت سازمان ملل و همچنین موافقت کرده که در ازای نفت و محصولات نفتی از لحاظ نظامی و اقتصادی به سوریه کمک کند. اگر چه در طول بحران سوریه، کرملین مخالف استفاده از سلاح شیمیایی بوده، اما به طور گسترده قطعنامه‌های سازمان ملل را به طور گسترده در این زمینه رد کرده است. در سپتامبر ۲۰۱۳ به دنبال یک رشته حملات به حومه دمشق، مسکو توافقی را میانجی‌گری کرد که بر اساس آن زرادخانه شیمیایی رژیم سوریه اجتناب گردد در حالی که بر اساس گزارش‌ها اجازه داده شده تا مقدار معینی تسلیحات شیمیایی را به عنوان ابزار چانه زنی حفظ کند (Landon & Miller, ۲۰۱۴:۳).

در ماه اوت سال ۲۰۱۵، شورای امنیت سازمان ملل حملات گاز کلر در سوریه را مورد بررسی قرارداد این در حالی بود که غرب اعتقاد داشت که این حملات کار دولت اسد است. روسیه از حق وتوی خود برای حمایت از اسد در شورای امنیت برای جلوگیری از این نوع حملات استفاده کرد. با توجه به اینکه فروش تسلیحات و عوامل نظامی برای پوتین مهم است،

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال سیزدهم، شماره چهل و یکم، زمستان ۱۳۹۶

اما در رابطه با سوریه عوامل سیاسی مهم دیگری نیز نقش دارد از جمله ایستادگی در برابر غرب تا جایی که برای کرملین حفظ اسد در درجه کمتری تا حفظ نفوذ خود در منطقه قرار دارد (Williams, ۲۰۱۵: ۱-۴).

د- اردن، شورای همکاری خلیج فارس و اسرائیل

به طور کلی کرملین تلاش کرده است تا رابطه نزدیکی با پایتخت‌های خاورمیانه همچون امان، ریاض و تل آویو برای مقابله با غرب برقرار کند. در سال ۲۰۰۴، پس از فاجعه بسلان، پوتین کمک‌های خود را علاوه بر مصر به قدرت‌های اهل سنت و متحدان غربی، از جمله عربستان سعودی، اردن و امارات متحده عربی، آغاز کرد. این حرکات جای خلا قدرت ایالات متحده در منطقه را می‌توانست بگیرد. در همان زمان، پوتین برای حفظ روابط خوب با اسرائیل که از زمان روی کارآمدنش آغاز کرده بود تلاش کرد (Katz, ۲۰۰۵: ۵۱-۵۳). در سال ۲۰۰۷ رشد تجاری و اقتصادی میان روسیه و اردن افزایش چشمگیری یافت. براساس گزارش‌های شورای کسب و کار روسیه- اردن رشد تجاری به صورت قابل ملاحظه‌ای نسبت به سال قبل خود یعنی ۱۶۹ میلیون دلار افزایش یافته بود. حضور تجاری و دیپلماتیک روسیه به سرعت در کشورهای شورای همکاری خلیج فارس که در نوامبر ۲۰۱۱ با تمرکز بر مسائل امنیت تجارت و سرماگذاری بود آغاز شد. در سال ۲۰۱۳ امان میزبان اولین نشست میان روسیه و اردن برای گسترش تجارت، همکاری‌های علمی- فنی بود، که در آن ملک عبدالله از روابط دو جانبه و کمک‌هایی که روسیه می‌تواند در ساخت اولین نیروگاه اتمی به اردن کند، حمایت کرد. همچنین دو کشور (اردن- روسیه) در اکتبر ۲۰۱۵ برای کمک نظامی در سوریه توافق کردند. این نشان می‌دهد که یکی دیگر از متحدان سنتی غرب یعنی اردن در حال حرکت به سمت سیاست‌های روسیه است (On the Outcomes of the First Meeting, ۲۰۱۵: ۱).

در ماه ژوئن ۲۰۱۵، محمد بن سلمان پس از نشست بین‌المللی اقتصادی در سن پترزبورگ در روسیه با پوتین ملاقات کرد که در آن شش توافق‌نامه، از جمله قرارداد همکاری هسته‌ای روسیه برای ساخت نیروگاه اتمی در عربستان به امضا رسید. همچنین در سال ۲۰۱۵ ریاض مبلغی بالغ بر ۱۰ میلیارد دلار در روسیه سرمایه‌گذاری کرد. به لحاظ تاریخی نباید در روابط روسیه و عربستان بزرگنمایی شود چرا که این روابط فراز و فرودهای بسیاری داشته، به طور خاص، پوتین از اتحاد عربستان و ایالات متحده برای تامین مالی تروریسم در روسیه ناراضی بوده و آن را

مورد شماتت قرار داده است. با این حال با توجه به تحولات اخیر در منطقه به خصوص در سوریه و خلا قدرت امریکا، عربستان سعودی از سیاست‌های ایالات متحده دور مانده است. آندری کلیمف، معاون رئیس کمیته امور بین‌الملل سنای روسیه در سال جاری بیان داشت که سعودی‌های در حال یادگیری این موضوع هستند که دیگر نمی‌توانند به ایالات متحده تکیه کنند و این مزیتی بزرگ برای روابط روسیه و عربستان است (Weir, 2015: 5-9).

پوتین در اسرائیل خواهان افزایش روابط اقتصادی و تجاری با تکنولوژی بالا خصوصا در زمینه فناوری ناو است. پوتین تلاش می‌کند که نقش روسیه را در روند صلح خاورمیانه افزایش دهد تا از این طریق بتواند بیشتر در اسرائیل حضور داشته باشد. اما یکی از اختلافات عمده میان روسیه و اسرائیل در زمینه حمایت مسکو از برنامه هسته‌ای ایران، فروش تسلیحات به ایران و حزب الله بوده و مداخله پوتین در سوریه نیز این نگرانی را برای اسرائیل افزایش داده است. ولی از آنجایی که اسرائیل از سیاست‌های اخیر ایالات متحده ناامید شده تلاش کرده که روابط خود را با روسیه افزایش دهد. در ۲۱ سپتامبر نتانیاهو با پوتین در زمینه برخی نگرانی‌ها از حضور روسیه در سوریه دیداری داشته است و مسکو این اطمینان را به آنها داده است که هیچ گونه تهدیدی به اسرائیل وارد نخواهد شد. با این حال حملات اخیر در جنوب سوریه و حضور نیروهای ایرانی و حزب الله می‌تواند برای اسرائیل ناخوشایند باشد، اما تاکنون این عوامل نتوانسته خدشه‌ای بر روابط دو طرف وارد سازد (Russia and Israel cosy up over Syria, 2015: 1-2).

۵- ترکیه

زمانی که پوتین به ریاست جمهوری رسید، روابط روسیه با ترکیه دارای مشکلات طولانی بود، رئیس‌جمهور جدید نیز در صدد بهبود این روابط برآمد. یکی از عوامل مشترک میان مسکو با آنکارا که می‌توانست روابط دو طرف را احیا کند سکوت دولت ترکیه نسبت به نقض حقوق بشر در چین بود. در اکتبر ۲۰۰۰ نخست وزیر روسیه میخائیل کاسیانوف به منظور امضای تعدادی از موافقت‌نامه‌ها برای انتقال گاز از ترکیه، به آنکارا رفت. در سال ۲۰۰۱ نیز ایگور ایوانوف وزیر خارجه روسیه برای اخذ چند قرارداد دیگر به منظور افزایش همکاری‌های دو جانبه در منطقه اوراسیا با دولت ترکیه به آنکارا سفر کرد این دیدارها در سال‌های آتی نیز ادامه داشت (Turkey's Political Relations, 2015: 1-2).

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال سیزدهم، شماره چهل و یکم، زمستان ۱۳۹۶

در اواخر سال ۲۰۰۴، پوتین بعد از واقعه بسلان در خاورمیانه پس از ۳۲ سال به عنوان رئیس جمهور روسیه به ترکیه سفر کرد که در این دیدار تعدادی توافق نامه نیز به امضا رسید. در سال ۲۰۰۵ نیز اردوغان سفری به مسکو داشت که این نشان دهنده افزایش روابط دو طرف در آن برهه زمانی بوده است. بین سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۵ پوتین و اردوغان ده بار با یکدیگر ملاقات کردند. در سال ۲۰۰۹ روسیه به عنوان شریک اول تجاری ترکیه محسوب می‌شد و تا سال ۲۰۱۴ تجارت دو جانبه حدود ۳۳ میلیارد دلار بود و ترکیه به عنوان مقصد مهم گردشگران روسی تبدیل شده بود (۲-۱۵: ۲۰۱۵، d'Amora).

اما اختلاف نظری که میان روسیه و ترکیه به وجود آمده در زمینه سوریه است به این صورت که از همان ابتدای تحولات سوریه، مسکو از اسد حمایت کرد اما آنکارا خواستار رفتن اسد بود. این اختلاف تا جایی بوده که روابط دو طرف را دچار آشفتگی ساخته به گونه‌ای که بعد از نقض هوایی ترکیه، اردوغان در زمینه خطر لغو قرارداد ۲۰ میلیارد دلاری ساخت نیروگاه اتمی هشدار داده است. بعد از سقوط هواپیمای روسی به دست ترکیه روابط دو طرف به شدت کاهش پیدا کرد، این در حالی بود که وزیر امور خارجه ترکیه اعلام کرد که قبل از این بارها به روسیه در این زمینه تذکر داده است. پس از این اقدام ترکیه، پوتین خواهان تحریم‌های اقتصادی علیه ترکیه، برای افزایش امنیت ملی خود شد (۱۰-: ۲۰۱۵، Turkey Summons Russian Envoy).

(۱۷).

نتیجه گیری

با نگاهی به سیاست خارجی ولادمیر پوتین نسبت به خاورمیانه متوجه می‌شویم که روسیه در منطقه به دنبال منافع خود از جمله دریافت منابع سیاسی و اقتصادی منطقه، کاهش نفوذ غرب در منطقه و دستیابی به این هدف که روسیه بتواند جایگاه خود در عرصه بین‌المللی به عنوان یک قدرت را به دست آورد، هست. از دیدگاه روسیه این خواسته با حضور فعال در منطقه رابطه با کشورهای دوست و دشمن، ایفا کردن نقش موثر در جنگ‌های خاورمیانه و تلاش برای برقراری صلح محقق خواهد شد (همانند حضور در جنگ داخلی سوریه). یکی از دلایلی که می‌توان برای حضور پر رنگ روسیه در سوریه عنوان کرد، به حاشیه کشاندن نگاه بین‌المللی نسبت به اقدامات روسیه در اوکراین است.

روسیه شاید به ظاهر به عنوان یک قدرت محسوب شود چرا که با مشکلات عدیده‌ای همچون: کاهش جمعیت، چالش‌های عظیم بهداشتی، رکود اقتصادی، هزینه‌های نظامی ناپایدار و هزینه‌های بهبود زیر ساخت‌های اساسی و بسیاری از مسائل دیگر مواجه است. یکی از مشکلات بزرگ دیگر روسیه این است که در داخل با اسلام‌رادی‌کال مواجه است و جنگ در سوریه می‌تواند این مشکل روسیه را تشدید کند. از این رو روسیه از ضعف‌های بسیاری به عنوان یک قدرت برخوردار است، به گونه‌ای که ادوارد لوکاس متخصص روسیه می‌گوید که: سلاح کرملین در بهترین وضعیت، بلوف و طفره است نه واقعیت موجود (۱-۷: ۲۰۱۵، Lucas).

دولت روسیه به رهبری پوتین خصوصاً در دوره دوم کوشیده است تا با برقراری روابط متوازن و پایدار با تمامی دولت‌ها و بازیگران خاورمیانه‌ای، سیاست خود را در این منطقه، از ایالات متحده آمریکا جدا نماید. از نظر مقامات کرملین، تنها راه ایمن‌سازی مرزهای جنوبی خود و نیز منطقه آسیای مرکزی و قفقاز از تحولات خاورمیانه در ابعاد تروریسم، بنیادگرایی دینی، تسلیحات کشتار جمعی و ... بهره‌گیری از مکانیسم‌ها و ابزارهای مختلف در نزدیکی به کشورهای واقع در این منطقه می‌باشد (کیانی، ۱۳۸۶: ۱-۳).

با توجه به بحث واقع‌گرایی تهاجمی که مطرح شده، روسیه (در دوره دوم ریاست جمهوری پوتین) در حال تغییر توازن قوا به نفع خود می‌باشد تا از این طریق بتواند نفوذ خود را در عرصه بین‌المللی و منطقه‌ای افزایش دهد. از آنجا که خاورمیانه با توجه به خروج ایالات متحده می‌تواند این خواسته کرملین را برطرف سازد، چرا که خلا قدرت در منطقه می‌تواند برای مسکو مثبت باشد تا از طریق آن بتواند نفوذ خود را در میان کشورهای دوست و دشمن افزایش دهد. همان گونه که در بالا بررسی شد روسیه تلاش کرده بعد از تحولات بهار عربی به عنوان کشوری که خواهان دموکراسی در منطقه است نفوذ کند، افزایش رابطه با مصر، کشورهای حاشیه خلیج فارس و افزایش روابط تجاری و اقتصادی ادعای بر آن می‌باشد. روابط با سوریه و ایران نیز برای روسیه همیشه دارای جذابیت‌های بالایی بوده است و از آنجایی که ایران و سوریه همیشه مخالف حضور آمریکا در منطقه بوده‌اند برای روسیه برگ برنده‌ای بوده تا از این کشورها در همه زمینه‌ها حمایت کند، حمایت‌های بی‌دریغ روسیه از ایران در بحث هسته‌ای، کمک‌های تسلیحاتی به آن و برای روسیه برگ برنده‌ای در برابر غرب می‌باشد.

این موضوع را باید خاطر نشان ساخت که این کمک‌ها تا جایی می‌باشد که روسیه از آن سود می‌برد چرا که روسیه تنها به دنبال افزایش قدرت خود و امنیتش می‌باشد که ایران می‌تواند

❖ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال سیزدهم، شماره چهل و یکم، زمستان ۱۳۹۶

تا حدودی برای آن تامین کند که اگر این موارد نبود روسیه به راحتی از ایران می‌گذشت. در زمینه سوریه نیز روسیه به دنبال حفظ جایگاه خود در سوریه است که چشم انداز مهمی برای مسکو دارد و به همین دلیل است که از اسد حمایت می‌کند و روسیه اگر بداند که منافعش حفظ خواهد شد اسد را نیز کنار خواهد گذاشت. رابطه با عربستان، اسرائیل و ترکیه نیز در همین زمینه یعنی افزایش نفوذ روسیه قابل مطرح می‌باشد. این‌ها همه نشان دهنده این است که واقع‌گرایی تا چه حد در سیاست خارجی روسیه اهمیت دارد و روسیه برای احیای قدرت خود در دوره دوم پوتین آن را در اولویت سیاست خارجی خود قرار داده است.

اما باید این را هم یادآور شد که رویکرد روسیه در خاورمیانه به خصوص در زمینه سوریه احتمالاً منجر به رشد تهاجمی‌تر شدن مشکلات سوریه و افزایش حضور غرب خواهد شد که این می‌تواند برای روسیه زیانبار باشد. اقدامات پوتین در خاورمیانه برای بازگرداندن روسیه به عنوان یک قدرت بین‌المللی تا حدودی می‌تواند اشتباه باشد چرا که روسیه با مشکلات داخلی بسیاری مواجه است که نگاه‌های بین‌المللی بر آن می‌باشد (به خصوص در زمینه الحاق کریمه). به احتمال زیاد پوتین همچنان به تقویت روابط بیشتر خود با کشورهای غیرغربی منطقه برای حفظ قدرتش ادامه خواهد داد. و اینکه روسیه می‌تواند مانعی بر سر راه صلح و ثبات در خاورمیانه و گسترش دهنده درگیری‌ها و عدم همکاری با غرب در این زمینه باشد، باقی بماند.

منابع

- کیانی، داوود (۱۳۸۶)، سیاست روسیه در خاورمیانه: محورها و محرک‌ها، معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی / گروه مطالعات اوراسیا. ۱-۴
- کولایی، الهه و نوری، علیرضا (تابستان ۸۹)، عمل‌گرایی پوتین و تغییر در رویکردهای سیاست خارجی روسیه، فصلنامه سیاست دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۰، شماره ۲۲۰۹-۲۳۸.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۶)، تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، تهران: سمت
- دوئرتی، جیمز، رابرت فالتزگراف (۱۳۸۸)، نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل، مترجم وحید بزرگی، علیرضا طیب، تهران: قومس
- هالستی، کی. جی (۱۳۸۸)، مبانی تحلیل سیاست بین‌الملل، مترجم بهرام مستقیمی، مسعود طارم سر، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی
- المن، کالین (۱۳۹۱) "واقع گرایی"، در کتاب نظریه روابط بین‌الملل برای سده بیست و یکم، مارتین گریفیتس (ویراستار)، صص ۶۶-۴۳. تهران: نشر نی.
- چرنوف، فرد (۱۳۹۰) نظریه و زبر نظریه در روابط بین‌الملل، ترجمه علیرضا طیب، نشر نی، تهران، چاپ دوم.

- Schweller, Randall L. (۱۹۹۶) "Neorealism,s Status Quo Bais: What Security Dilemma," **Security Studies**, Vol ۵. No ۳, pp. ۹۰-۱۲۱.
- Mersheimer, John (۲۰۰۱) **The tragedy of great power politics**, New York: Norton.
- Donnelly, Jack (۲۰۰۵) "Realism", in **Theories of International Relations**, edited by Scott Burchill et al., ۲۹-۵۴. Basingstoke: Palgrave Macmillan.
- Jervis, Robert (۱۹۹۹) "Realism, Neoliberalism and cooperation," **International security**, Vol. ۲۴, No. ۱, ۴۲-۶۳.

◇ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال سیزدهم، شماره چهل و یکم، زمستان ۱۳۹۶

- Brown, Michael E.; Lynn-Jones, Sean M.; and Miller, Steven E. (Eds.) (۱۹۹۵) **The perils of anarchy: Contemporary Realism and International security**, London :The MIT Press.

- Kissinger, Henry (۱۹۷۹) **White House Years**, Boston: Little, Brown and Co.

- Putin, Vladimir (۲۰۱۵a) " Putin's UN General Assembly Speech," **The Washington Post**, September ۲۸, <https://www.washingtonpost.com/news/worldviews/wp/2015/09/28/read-putins-u-n-general-assembly-speech/>

- Gordon, Michael R. & Schmitt, Eric (۲۰۱۵) "Russian Moves in Syria Pose Concerns for U.S.," september ۴, **The New York Times**, http://www.nytimes.com/2015/09/05/world/middleeast/russian-moves-in-syria-pose-concerns-for-us.html?_r=۰.p۲-۵

- Akkoc, Raziye; Marszal, Andrew and Oliphant, Roland (۲۰۱۵) "Russia Launches Airstrikes in Syria—As It Happened on Wednesday ۳۰ September," **The Telegraph**, September ۳۰, <http://www.telegraph.co.uk/news/worldnews/europe/russia/11903681/Russia-launches-airstrikes-in-Syria-as-it-happened-on-Wednesday-30-September.html>

- Borshchevshaya ,Anna (۲۰۱۶) "Russia in the Middle East: Motives, Consequences, Prospects," **The Washington Institute**, Policy Focus ۱۴۲, February.

- Freedman, Robert O. (۲۰۰۱) "Russian Policy toward the Middle East under Yeltsin and Putin," **Jerusalem Center for Public Affairs**, September ۲, <http://www.jcpa.org/jl/vp۴۶۱.htm>

- Shevtsova, Lilia & Kramer, David J. (۲۰۱۲) "What the Magnitsky Act Means," **American Interest**, December ۱۸, <http://www.the-american-interest.com/۲۰۱۲/۱۲/۱۸/what-the-magnitsky-act-means/>

- Cohen, Ariel (۲۰۱۲) "How the U.S. Should Respond to Russia's Unhelpful Role in the Middle East", **Heritage Foundation**, March ۱۵, http://www.heritage.org/research/reports/۲۰۱۲/۰۳/how-the-us-should-respond-to-russias-unhelpful-role-in-the-middle-east#_ftn۱۹

- Rogozin, Dmitryi (۲۰۱۳) "Rogozin: Russia Ranks Second in the World on Export Supply of Military Goods," **Daily News Light**, December ۱۱, <http://dailynewslight.ru/?u=۱۱۱۲۲۰۱۳۸۶۸>

- Hackett, Conrad (۲۰۱۵) "۵ Facts about the Muslim Population in Europe," **Pew Research Center**, January ۱۵, <http://www.pewresearch.org/fact-tank/۲۰۱۵/۰۱/۱۵/۵-facts-about-the-muslim-population-in-europe/>

- Mirovalev, Mansur (۲۰۱۵) "Despite Animosity, Moscow's Muslims Change the City," **Al Jazeera**, July ۲۲, <https://en-maktoob.news.yahoo.com/despite-animosity-moscows-muslims-change-city-۱۱۱۹۱۲۲۵۳.html>

- Katz, Mark (۲۰۱۲b) "Moscow and the Middle East: Repeat Performance?" **Russia in Global Affairs**, October ۷, <http://eng.globalaffairs.ru/number/Moscow-and-the-Middle-East-Repeat-Performance-۱۵۶۹۰>

- Margelov, Mikhail (۲۰۱۳) "Russia's Vision for the Middle East and North Africa", **Chatham House**, December ۱۰,

— فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال سیزدهم، شماره چهل و یکم، زمستان ۱۳۹۶ —

http://www.chathamhouse.org/sites/files/chathamhouse/home/chatham/public_html/sites/default/files/۱۰۱۲۱۳Russia.pdf

- Vysotsky, Alexander (۲۰۱۴) "Russia and the Arab Spring", **Connections**, Vol. XIV, No. ۱, pp. ۴۱-۶۴.

-Mirsky, Georgiy(۲۰۱۳) " 'Islamic State' and Russian Media", **Echo Moskvyy**, June ۳, http://echo.msk.ru/blog/georgy_mirsky/۱۵۶۰۳۵۴-echo/

- Treisman, Daniel (۲۰۱۲) "Why Russia Protects Syria's Assad," **CNN**, February ۳,

<http://www.cnn.com/۲۰۱۲/۰۲/۰۲/opinion/treisman-russia-syria/>

- "History of Russian-Egyptian Relations" (۲۰۱۶) **Embassy of the Russian Federation to the Arab Republic of Egypt**, <http://www.egypt.mid.ru/eng/hist/Index.html>

- Putin, Vladimir (۲۰۱۲) "Congratulations to President of Egypt Mohammed Morsi on the ۶۰th Anniversary of the July Revolution," **Kremlin, President of Rissia**, July ۲۳,

<http://en.kremlin.ru/events/president/news/۱۶۰۴۳>

- Latukhina ,Kira (۲۰۱۳) "Sochi, Palm Trees, Pyramids: Moscow and Cairo Opened Doors for Cooperation", **Rossiyskaya Gazeta**, April ۲۲, <http://www.rg.ru/۲۰۱۳/۰۴/۲۲/putin.html>

- Saleh, Heba & Hille, Kathrin (۲۰۱۳) "Egypt Turns to Russia as Relations with Washington Sour," **Financial Times**, November ۸, <https://next.ft.com/content/۶f۱۰۹۳۰c-۴۸۹a-۱۱e۳-a۳ef-۰۰۱۴۴feabdc>

- "Egypt Hopes for a Speedy Lifting of Russia's Flight Ban,"(۲۰۱۵) **Interfax**, December ۲۲,

<http://tourism.interfax.ru/ru/news/articles/۳۱۰۹۰/>

- Novichkov, Nikolai (۲۰۱۵) "Russia's New Maritime Doctrine,"

IHS Jane's, August ۱۳, <http://www.janes.com/article/۵۳۶۴۳/russia-s-new-maritime-doctrine>

- Gorenburg, Dmitry (۲۰۱۲) "Why Russia Supports Repressive Regimes in Syria and the Middle East", **PONARS Eurasia Policy Memo No. ۱۹۸**, June,

<https://www.gwu.edu/~ieresgwu/assets/docs/ponars/pepm۱۹۸.pdf>

- Bershidsky, Leonid (۲۰۱۵) "Putin's Iran Game Bests Obama," **Bloomberg**, April ۱۵,

<http://www.bloombergview.com/articles/۲۰۱۵-۰۴-۱۵/putin-s-iran-game-bests-obama>

- Katz, Mark N. (۲۰۱۵) "Iran and Russia," **The Iran Primer**, <http://iranprimer.usip.org/resource/iran-and-russia>

- Katz, Mark N. (۲۰۱۲b) "Why Russia Won't Play Ball on Iran," **The Diplomat**, June ۲۳, <http://thediplomat.com/۲۰۱۲/۰۶/why-russia-wont-play-ball-on-iran/>

- Putin, Vladimir (۲۰۱۵b) "Statement by President of Russia Vladimir Putin following the Completion of Negotiations on Iran's Nuclear Programme," **Kremlin**, July ۱۴,

<http://en.kremlin.ru/events/president/news/۴۹۹۵۷>

- Stepanova, Ekaterina (۲۰۰۲), "Russia and U.S. Policy toward Iraq: Conflict of Interests and Limits of Dissent," **PONARS Eurasia Policy Memo No. ۲۴۹**

http://www.gwu.edu/~ieresgwu/assets/docs/ponars/pm_۰۲۴۹.pdf

◇ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال سیزدهم، شماره چهل و یکم، زمستان ۱۳۹۶

- Powell, Colin (۲۰۰۳) "Colin Powell: Iraq Will Recognize Its Debt to Russia", **Probe International**, May ۱۵,

<https://journal.probeinternational.org/۲۰۰۳/۰۵/۱۵/colin-powell-iraq-will-recognize-its-debt-russia/>

- Filipov, David (۲۰۰۳) "Russia Offers to Ease Iraq Debt for Oil Contracts," **The Boston Globe**, December ۲۳,

http://archive.boston.com/news/world/articles/۲۰۰۳/۱۲/۲۳/russia_offers_to_ease_iraq_debt_for_oil_contracts/

- Lando, Ben (۲۰۱۴) "Q&A: Lukoil Overseas President Andrey Kuzyaev," **Iraq Oil Report**, May ۷,

<http://www.iraqoilreport.com/energy/qa-lukoil-overseas-president-andrey-kuzyaev-۱۲۲۱۴/>

- Lando, Ben & Osgood, Patrick (۲۰۱۳) "Gazprom Neft Expands KRG Presence with Halabja Block," **Iraq Oil Report**, February ۲۰,

<http://www.iraqoilreport.com/energy/gazprom-neft-expands-krp-presence-with-halabja-block-۹۹۷۸/>

- Brooke, James (۲۰۱۳) "Russia Helped Build Syria's Chemical Weapons," **Moscow Times**, September ۱۱,

<http://www.themoscowtimes.com/opinion/article/russia-helped-build-syrias-chemical-weapons/۴۸۵۸۷۰.html>

- Hipp, Van (۲۰۱۲) "Russia's Putin Is Making His Moves in Syria and Beyond," **Fox News**, June ۱۲,

<http://www.foxnews.com/opinion/۲۰۱۲/۰۶/۲۷/russia-putin-is-making-his-moves-in-syria-and-beyond.html>

- Grimmett, Richard F. (۲۰۱۱) "Conventional Arms Transfers to Developing Nations, ۲۰۰۳-۲۰۱۰", **Congressional Research Service**, "September ۲۲, <https://www.fas.org/sgp/crs/weapons/R۴۲۰۱۷.pdf>

- Williams, Carol J. (۲۰۱۵) "New UN Probe of Syrian Chemical Weapons Use to Name Perpetrators, **Los Angeles Times**," September ۱۰, <http://www.latimes.com/world/middleeast/la-fg-syria-chemical-weapons-un-probe-۲۰۱۵۰۹۱۰-story.html>

- Londoño, Ernesto & Miller, Greg (۲۰۱۴) "U.S. Officials Say Syria Is Using Remaining Chemical Weapons Stockpile as Leverage," **The Washington Post**, April ۳۰

https://www.washingtonpost.com/world/national-security/us-officials-say-syria-is-using-remaining-chemical-weapons-stockpile-as-leverage/۲۰۱۴/۰۴/۳۰/۱dd۶۸c۸a-d۰a۸-۱۱e۳-۹e۲۵۱۸۸ebe۱fa۹۳b_story.html

- Katz, Mark N. (۲۰۰۵) "Putin's Pro-Israel Policy," **Middle East Quarterly**, Vol. ۱۲, No. ۱, pp. ۵۱-۵۹.

- "On the Outcomes of the First Meeting of the Russian-Jordanian IC [Intergovernmental Commission]," (۲۰۱۵) **Embassy of the Russian Federation in Jordan**, http://www.jordan.mid.ru/pr_۱۳۰.html

- Weir, Fred (۲۰۱۵) "Goodbye Washington, Hello Moscow? Saudi Arabia Finds Friendly Face in Putin", **Christian Science Monitor**, July ۳, <http://www.csmonitor.com/World/Europe/۲۰۱۵/۰۷۰۳/Goodbye-Washington-hello-Moscow-Saudi-Arabia-finds-friendly-face-in-Putin>

◇ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال سیزدهم، شماره چهل و یکم، زمستان ۱۳۹۶

- "Russia and Israel cosy up over Syria," (۲۰۱۵) **The Economist**, September ۳۰, <http://www.economist.com/news/middle-east-and-africa/۲۱۶۶۹۵۶۳-though-opposite-sides-syrian-conflict-binyamin-netanyahu-and-vladimir-putin-agree>

- Lucas, Edward (۲۰۱۵) "Russia Has Published Books I Didn't Write!" **The Daily Beast**, August ۲۰,

<http://www.thedailybeast.com/articles/۲۰۱۵/۰۸/۲۰/russia-turned-me-into-propaganda.html>

- "Turkey's Political Relations with Russian Federation," (۲۰۱۵) TurkishMinistryofForeignAffairs,http://www.mfa.gov.tr/turkey_s-political-relations-with-russian-federation.en.mfa

- d'Amora, Delphine (۲۰۱۵) "Where Russian Tourists Will (And Won't) Go in ۲۰۱۵," **Moscow Times**, March ۲۲,

<http://www.themoscowtimes.com/business/article/where-russian-tourists-will-and-won-t-go-in-۲۰۱۵/۵۱۷۸۳۶.html>

- "Turkey Summons Russian Envoy over Bombing of Turkmens in Syria: PM," (۲۰۱۵) Reuters, November ۲۰,

<http://www.reuters.com/article/us-mideast-crisis-syria-turkey-russia-idUSKCN۰T۹۱MO۲۰۱۵۱۱۲۰>